



فصل هجدهم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بگو نمی‌دانم!

در بحث گناهان و در موضوعات اخلاقی یکی از سرفصل‌های پربحث و مهم، موضوع زبان و کنترل زبان و گناهان زبانی است، آنجا که بیان می‌شود بیشتر کسانی که وارد جهنم می‌شوند، به‌خاطر گناहانی است که با این عضو انجام داده‌اند و گناهان زیادی را در این باب می‌شمارند و گفته می‌شود که زبان عضوی است که «چُرْمُهُ ضَعِیفٌ»، یعنی جرم و ابعاد کمی دارد، اما «جُرْمُهُ کَبِیرٌ»، یعنی کارهای بد و ناشایستی با ابعاد زیاد می‌تواند مرتکب شود و جرم‌های بسیاری با کنترل نشدن صحیح آن انجام می‌گیرد. مرحوم نراقی در کتاب گران‌سنگ معراج‌السعادة در این باب می‌فرماید:

«بدان که بسیاری از آفات مذکوره در این مقام و در سابق بر این، از غیبت و بهتان و دروغ و شتمات و سخریت (مسخره کردن) و جدال و مراء و مزاح و تکلم به ما لایعنی (سخن بیهوده) و فحش و غیر این‌ها، از مفاسد زبان است و ضرر این عضو به انسان، بیشتر از سایر اعضاست و آفات آن افزون‌تر از آفات سایر جوارح است و مفاسد این عضو، اگرچه از معاصی ظاهره است، که شأن علم اخلاق گفت‌وگوی از آن‌ها نیست، ولیکن هریک از این‌ها منجر به اخلاق رذیله و ملکات فاسده می‌گردد، زیرا رسوخ ملکات و اخلاق در نفس، به‌واسطه تکرار اعمال و افعال است، پس طالب معالی اخلاق را لازم است که محافظت نفس و اعضا هر دو را بنماید و چنان که مذکور شد، عمده اعضایی که مصدر افعال ذمیمه است که مؤدی به اخلاق رذیله است، زبان است.»

یکی از تمرین‌های بزرگ کسانی که می‌خواهند در مسیر اخلاق و سلوک قدم بردارند، تمرین سکوت است و به حد ضرورت سخن گفتن که فرمودند: با همین روش می‌توان چیزهایی را دید که دیگران از دیدن آن عاجز هستند و به حکمت و علم رسید. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) فرمودند: «مرد در زیر زبان خود پنهان است، پس هرچه می‌گویی، به عقل خود بسنج، پس اگر سخنی باشد که از برای خدا باشد، بگو، والا سکوت کردن بهتر است.»

در احادیث ما آمده است انسان‌های عاقل، کم سخن می‌گویند و باید آن‌ها را به سخن گفتن وادار کنی که فرمودند زمانی که عقل کامل می‌شود، سخن اندک می‌گردد و زمانی که عقل انسانی کم باشد، سخن گفتن‌های بیهوده او زیاد می‌شود و فرمودند هر شخصی زیاد سخن بگوید، زیاد اشتباه می‌کند و هر شخصی زیاد اشتباه و خطا کند، به دوزخ و مجازات الهی نزدیک‌تر است.

یکی از آفت‌های رسانه و شبکه‌های اجتماعی در عصر ما، همین سخن گفتن از هر دری است؛ سخن گفتن درباره چیزهایی که اطلاع کاملی از آن نداریم. قضاوت‌هایی که بعداً متوجه می‌شویم اشتباه بوده است. کاری که مؤمن انجام نمی‌دهد که فرمودند در دروغ‌گویی تو همین بس که هرچه شنیدی، بازگو کنی.

امیرالمؤمنین علی^(ع) فرمودند:

«لا یستحین احد منکم اذا سئل عما لایعلم ان یقول لا اعلم. حیا نکند احدی از شما، هرگاه درباره چیزی که نمی‌داند از وی بپرسند، از اینکه بگوید نمی‌دانم.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۷)

امام علی^(ع) همچنین می‌فرمایند: «لا تقل ما لاتعلم، بل لاتقل کل ما تعلم. آنچه نمی‌دانی مگو، بلکه هرچه را هم که می‌دانی، مگو.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۸۹)

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از آفات زبان دور کند و از کسانی قرار دهد که سکوت آن‌ها بیشتر از سخن گفتن آن‌هاست تا از رستگاران باشیم.

ان‌شاء...

بردار و بخوان

بهشت فراموش‌شده

خانواده‌ها فرزندان خود را به شیوه‌های مختلفی پرورش می‌دهند و تربیت می‌کنند. فارغ از کم‌وکیف این امر در خانواده‌های مختلف، اگر بخواهیم تنها به پدر و مادر خود و نعمت‌هایی که به‌خاطر آنان بر ما ارزانی می‌شود نگاه کنیم، می‌بینیم که به صرف پرورش ما، احترام و محبت آنان بر ما واجب می‌شود. با همه کم‌وکاستی‌های طبیعی که مربوط به سرشت انسانی ماست، در دین اسلام و دیگر ادیان به احترام به والدین توصیه شده است. مهدی خدامیان آرانی در اثر خود به نعمت والدین و پیامدهای رفتار مناسب با آن‌ها در زندگی اشاره می‌کند. خواندن این اثر حتی به کسانی که خود والد هستند، توصیه می‌شود. در مقدمه کتاب، نویسنده اثر خود را چنین توصیف می‌کند: «آیا شما، پدر و مادر خود را دوست دارید؟ آیا می‌خواهید عشق و محبت شما به آن‌ها بیشتر و بیشتر شود؟ آیا می‌دانید چگونه می‌توانید از قلب پدر و مادر خویش به اوج آسمان‌ها پرواز کنید؟ آیا می‌دانید اگر پدر و مادر را از خود راضی کنید، خدا از شما

خشنودمی‌شود؟ برادرم! خواهرم! آیامی‌خواهید

به‌دریای بی‌انتهای رحمت الهی متصل شوید؟ آیا

می‌خواهید خدا به شما نظر رحمت بکند؟ بیایید

به پدر و مادر خود نیکی کنید. بیایید قدری با

آنان مهربان‌تر باشید. این کتاب را برای کسانی

نوشته‌ام که می‌خواهند با احترام به پدر و مادر

به‌سوی خوشبختی دنیا و آخرت گام بردارند.

من تلاش کرده‌ام که با نگاهی نو به آموزه‌های

دینی به شما کمک کنم تا بار دیگر عاشق پدر و

مادرتان شوید. من این کتاب را برایت نوشتم و

اکنون نوبت شماست تا کتاب خود را بخوانی

و بدانی که پدر و مادرت همان بهشت گم‌شده

تومی‌باشند.»

بپرس و بدان

از احکام شرط‌بندی

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک، پرسش‌های خود را به‌شماره ۰۲۲۸۹۰۳۰۰۰ یا ما در میان بگذارید.

- آیا شرط‌بندی در بازی‌های اسب‌سواری یا تیراندازی رایانه‌ای و مجازی، جایز است؟
- پاسخ اجمالی

حکم جواز شرط‌بندی در مسابقات سوارکاری و تیراندازی تنها ناظر به مسابقات حقیقی و واقعی است و شامل مسابقات و بازی‌های مجازی نخواهد شد. از این‌رو شرط‌بندی در بازی‌های مجازی حرام است؛ البته اگر مسابقات مجازی به‌صورتی طراحی شود که -مانند شبیه‌ساز (سیمulatور) هواپیماهای جنگی- منجر به افزایش توان دفاعی و نظامی افراد شود، برخی فقها شرط‌بندی در آن را حرام نمی‌دانند.

● آیت‌ا...العظمی‌ خامنه‌ای

جواز شرط‌بندی در موارد یادشده، شامل مسابقات مجازی و رایانه‌ای نمی‌شود.

● آیت‌ا...العظمی علوی‌ گرگانی

جواز شرط‌بندی در مسابقات مذکور شامل انجام آن مسابقات به‌صورت کامپیوتری و مجازی نمی‌شود.

● آیت‌ا...العظمی مکارم‌ شیرازی

جایز نیست. تنها در مسابقات واقعی بین مسابقه‌دهندگان اشکالی ندارد.

حسد، منبع تمام بدی‌ها

بررسی مرزهای باریکی که غبطه را به حسد و حسادت تبدیل می‌کند

آمنه مستقیمی | یافتن معادل صحیح واژگان برای احساسات درونی و هیجاناتی که آدمی در مواجهه با اتفاقات و شرایط مختلف زندگی تجربه می‌کند، کار دشواری است. این کار زمانی که احساسات به حسب تعریفشان در دایره مذموم یا ممدوح قرار بگیرند، دشوارتر هم می‌شود. این قصه‌ای است که انسان در تجربه غبطه، حسرت یا حسادت، بارهاوبارها از سر گذرانده است و شاید خودش هم در برخی مواقع نتواند تفاوت این‌ها را تشخیص دهد، درحالی‌که نتیجه و اثر هریک از این عواطف در زبان و فرهنگ دینی متفاوت از دیگری است، از این‌رو نگاهی انداخته‌ایم بر آثار هریک از آن‌ها در متون اسلامی.

غبطه یا رشک در اصطلاح اخلاق اسلامی به معنای داشتن آرزوی نعمتی برای خود است همانند آنچه دیگری دارد، بدون آنکه در فکر از دست رفتن آن نعمت از دیگری باشد. (مصباح‌المنیر، ۱۴۱۸ق. ج یک، ص ۴۴۲) غبطه در لغت به معنای حال خوش و نیکو، نعمت و شادمانی است. (لسان‌العرب، ۴۱۴ق. ج ۷، ص ۳۵۹-۳۵۸) بر پایه برخی روایات، غبطه خوردن به‌عنوان یک فضیلت، از نشانه‌های مؤمن است. کلینی^(ع) در الکافی، روایتی از امام‌صادق^(ع) نقل کرده است که فرمودند: «مؤمن غبطه می‌خورد و حسادت نمی‌ورزد و منافق، حسادت می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد.» (الکافی، ۱۴۳۰ق. ج ۲، ص ۷۴۹)



برای چه چیزهایی غبطه بخوریم؟

در روایات بی‌شمار حدومرزهای غبطه خوردن، بیان شده است. در روایتی از امیرالمؤمنین علی^(ع) آمده است کسی که در انجام کار خیر سبقت می‌گیرد، شایسته غبطه خوردن است. (غزراالحکم و دررالکلم، ۴۱۰ق. ج یک، ص ۲۰۰). حضرت در روایت دیگری، کسی را که عمرش را در راه اطاعت خدا سپری کرده است، شایسته غبطه خوردن دانسته‌اند. (غزراالحکم و دررالکلم، ۴۱۰ق. ج یک، ص ۲۲۸). محدث نوری در مستدرک‌الوسائل، روایتی از امام‌صادق^(ع) بیان کرده است که زائر قبر امام حسین^(ع) مورد غبطه قرار می‌گیرد. (مستدرک‌الوسائل، ۴۰۸ق. ج ۱۰، ص ۲۵۲). اما در برخی روایات، غبطه خوردن بر کسی به‌دلیل زیادی مال دنیا و امور دنیوی، نکوهش شده است. (الکافی، ۱۴۳۰ق. ج ۳، ص ۳۴۹).

عواقب حسادت در بیان قرآن و روایات

در قرآن بیش از هفت نمونه سخن از حسادت و خطر آن به میان آمده است، در سوره مائده، آیه ۲۷ تا ۳۰، جریان فرزندان آدم^(ع) مطرح شده است که قابیل بر اثر حسادت به برادرش هابیل، دست به قتل او می‌زند. همچنین قرآن در سوره مبارکه یوسف^(ع)، داستان برادران یوسف^(ع) را مطرح کرده است که بر اثر حسادت، برادر خود را کتک زدند و داخل چاه انداختند. این حسادت باعث شد گناहانی همچون دروغ، اهانت به پدر و ضرب‌وشتم برادر را مرتکب شوند.

حسد از خصایصی است که به‌شدت در آموزه‌های دینی، نفی و برای آن آثار و عواقب سوء برشمرده شده است. از پیامبراکرم^(ص) نقل است که فرمودند: «حسد و ایمان (هرگز) در دل یک نفر باهم جمع نمی‌شوند.» (مستدرک، ج ۱۲، ص ۱۸) و از امیرالمؤمنین علی^(ع) نقل است که: «حسد، بزرگ‌ترین دام شیطان است.» (فهرست غرر، ص ۶۷). امام‌مجتبی^(ع) نیز در نکوهش حسد و حسدورزی فرموده‌اند: «حسد، پیش‌قراول تمام شرها و بدی‌هاست. از روی همین حسد بود که قابیل برادرش هابیل را به قتل رسانید.» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

حسرت به معنای دریغ و افسوس و تأسف و غصه خوردن بر چیز ازدست‌رفته است. انسان در این هنگام برای از دست دادن نعمتی یا استفاده نکردن به‌موقع و در ست از نعمتی که از دست رفته است، پشیمان می‌شود. این واژه در قرآن با همین مفهوم به کار رفته است، چنان‌که آیه ۵۶ سوره مبارکه زمر به حسرت کافران در روز قیامت از کوتاهی خود اشاره می‌کند و می‌فرماید: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتًا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُ فِي جُنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ».

از مولای متقیان^(ع) نقل است که فرمودند: «پس حقیقت قصه این است، آن که دنیا را بر ولایت و (محبت و اطاعت) اهل‌بیت پیامبر^(ص) برگزیند، حسرت و افسوس بر او سنگین خواهد بود.» (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۲) و نیز از ایشان است که: «و بدان که دنیا سرای آزمایش و ابتلائات است. هر شخصی ساعتی در آن فراغت یابد و دست از کار بکشد، همین ساعت بیکاری و بیهودگی، موجب حسرت و دریغ در قیامت خواهد شد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۹).

نقل است: «حضرت علی^(ع) در سحرگاه ه‌رشب، بعد نماز صبح(نافله یا واجب) هفتادبار استغفار می‌کردند و می‌فرمودند: خدا!ا! طلب مغفرت می‌کنم از تو برای هر گناهی که حسرت و افسوس به‌بار آورد و روزی را زندانی کند و دعا را برگرداند(و به اجابت نرساند) و... و در رستاخیز حسرت و ندامت شود...» (بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۳۰).

تفاوت‌های غبطه با حسد و حسرت

در غبطه، شخص آرزو می‌کند نعمتی را که دیگری دارد، داشته باشد بدون آنکه خواستار زوال آن نعمت برای دیگری باشد، اما در حسد، شخص حسود آرزو می‌کند نعمتی که دیگری دارد، از بین برود. ابن ابی‌الحدید در بیان تفاوت حسد و غبطه می‌گوید: «مرز حسادت این است که از آنچه نصیب دیگری شده است، خشمگین شوی و دوست داشته باشی از او زائل شود و به تو برسد، اما غبطه آن است که از روزی دیگری ناراحت نشوی و زوالش را نخواهی و فقط دوست داشته باشی مثل آن نصیب تو هم بشود.» (شرح نهج‌البلاغه، ۱۴۱۸ق. ج یک، ص ۳۱۹). غبطه، از فضایل اخلاقی و صفات پسندیده است، درحالی‌که به‌گفته ملامهدی نراقی، حسد از بدترین رذایل اخلاقی و امراض نفسانی به‌شمار می‌رود که صاحبش را به عقوبت دنیوی و عذاب اخروی مبتلا می‌کند و در قرآن و روایات مذمت شده است. غبطه با حسرت نیز تفاوت دارد. حسرت به معنای اندوه شدید بر چیز ازدست‌رفته و یک واکنش عاطفی است که فرد، زمانی که احساس از دست دادن فایده و امتیازی را داشته باشد، آن را تجربه می‌کند. (نشانه‌شناسی حسادت با تکیه بر منابع اسلامی، ص ۸۰)